

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۹، شماره ۱، بهار ۱۳۹۵، صفحات ۱۶۳-۱۸۴

ارائه روش نظریه زمینه‌ای برای مدل‌سازی مفهومی پیامدهای تغییرات اقتصادی در روستاهای شهرستان چرداول: مطالعه موردی روستاهای مسیر راه کربلا در دهستان شهاب

معصومه جمشیدی، علی‌رضا جمشیدی، و حجت شیخی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۱۶

چکیده

با توجه به تغییر و تحولات متعدد در ساختار اقتصادی روستاهای شهرستان چرداول، پژوهش حاضر با هدف بازسازی مفهومی پیامدهای تغییرات اقتصادی در چهار روستای منتخب که در مسیر جاده کربلا قرار دارند، درک و تفسیر مردم از شرایط، تعاملات و پیامدهای این تغییرات را با رویکرد کیفی نظریه زمینه‌ای مورد بررسی قرار داده است. نمونه‌ها به صورت هدفمند و با نمونه‌گیری گلوله برفی انتخاب شدند. بنابراین، روستاییانی که در گذشته به کشاورزی اشتغال داشتند و اکنون به فعالیت‌های دامداری و زنبورداری و مشاغل خدماتی می‌پردازند، انتخاب شدند. انتخاب نمونه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری از ساکنان روستاهای مورد مطالعه ادامه داشت. در کل، مطالعه روی ۴۷ نفر صورت گرفت. داده‌های گردآوری شده در قالب ۴۸ مفهوم، هفت مقوله عمده و یک مقوله هسته‌ای کدگذاری شدند. نتایج نشان داد که مردم روستاهای منتخب پیامدهای تغییرات اقتصادی را به‌مثابه تحول در کارکرد روستا و افزایش مشاغل جدید درک کرده‌اند.

* به ترتیب، نویسنده مسئول و استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه غیرانتفاعی باختر ایلام (masomeh_jamshidi@yahoo.com)؛ دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان؛ و استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه ایلام.

کلیدواژه‌ها: تغییرات اقتصادی، نظریه زمینه‌ای، مدل مفهومی، شباب (دهستان)، چرداول (شهرستان).

مقدمه

در کشورهای در حال توسعه، حدود نیمی از مردم در نواحی روستایی زندگی می‌کنند و اکثریت آنها به کشاورزی و مشاغل وابسته اشتغال دارند. در ایران، سهم نیروی کار در بخش کشاورزی بالاست، ولی سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص ملی پایین است، که از فقر توده روستائیان حکایت دارد (محسنیان راد، ۱۳۷۴: ۹). اهمیت و نقش کشاورزی در توسعه روستایی به حدی است که بسیاری از متفکران در تعاریف خود از توسعه روستایی به اهمیت آن اشاره کردند که برای نمونه، به تعریف بعضی از آنها اشاره می‌کنیم. جون رابینسون و آنتوان داکوره توسعه روستایی را شرط توسعه ملی می‌دانند و از این رو، تأکید خاصی بر رشد بخش کشاورزی دارند. رابینسون تولید مواد غذایی را ضروری‌ترین راه برای قطع وابستگی سیاسی می‌داند. مایکل تودارو نیز اعتقاد دارد که توسعه کشاورزی و روستایی محور اصلی توسعه ملی به‌شمار می‌رود و همچنین، توسعه و رشد بخش کشاورزی موتور محرکه اصلی توسعه روستایی است (آسایش، ۱۳۸۵: ۱۱).

در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی، در کنار توجه به تولید غذا، توجه به افزایش درآمد نیز بسیار مهم و ضروری است. کشاورزی بدون شک یکی از عوامل مهم در کاهش فقر روستایی خواهد بود. در دهه ۱۹۵۰، پایین بودن بهره‌وری و سستی بودن نظام کشاورزی از عوامل مهم در عدم دستیابی به توسعه روستایی و نیز گسترش فقر روستاها بود. اما امروزه، کشاورزی به‌مثابه یک عامل اصلی در بالا بردن امنیت غذایی، استقلال و منبعی برای افزایش درآمد روستائیان نقشی مهم بر عهده دارد. در توسعه راهبرد توسعه روستایی، باید بخش کشاورزی به صورت جدید مورد توجه قرار گیرد (قنبری، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

هدف اصلی توسعه مناطق روستایی ایجاد انگیزه‌ای نو است که باعث مشارکت داوطلبانه اهالی روستا شود و بتواند حیاتی جدید به روستا ببخشد و رفاه ساکنان را افزایش دهد. بنابراین، باید شرایط زندگی نواحی روستایی را در حالی که به خصوصیات ویژه روستا توجه داریم، تا حدی بهبود بخشیم که قابل زندگی باشند (یاسوری، ۱۳۸۶: ۵۰). گسترش مشاغل جایگزین یکی از راه‌های بهبود زندگی روستایی در شرایط بروز تغییرات محیطی و گسترش بحران در بخش کشاورزی است که معیشت عمده روستاییان بدان وابسته است.

توسعه اقتصادی، اجتماعی و سامان‌دهی فضایی مطلوب‌تر در جامعه روستایی مستلزم متنوع ساختن اشتغال و گسترش فعالیت‌هایی است که تحرک و پویایی آن را تضمین کند. تنوع فعالیت‌های غیرکشاورزی، ضمن تقویت این بخش، تنوع مشاغل غیرکشاورزی و تقویت درآمدها، روند توسعه روستایی را تسهیل می‌کند (ارجمندیا، ۱۳۷۳: ۸۷).

در سال‌های گذشته، اتکای اقتصاد چهار روستای مورد بررسی در پژوهش حاضر به بخش کشاورزی و تولیدات ناشی از آن بوده است، این روستاها عبارت‌اند از زنجیره سفلی (امروزه، زنجیره سفلی و سرخکان در قالب یک روستا به نام زنجیره سفلی شناخته می‌شوند)، گل‌مه، باغله (به علت نزدیکی بیش از حد دو روستای باغله سفلی و باغله علیا، هر دو در محل با عنوان باغله شناخته می‌شوند) و شباب. این روستاها با بهره‌گیری از آب رودخانه زنجیره و شعبه‌های مختلف رودخانه چرداول، دارای کشاورزی آبی پررونق و کشاورزی دیم با تولید بالا بوده‌اند، به‌گونه‌ای که این روستاها به عنوان قطب برنج‌کاری محسوب شده، تولیدات آنها به کل استان و استان‌های هم‌جوار صادر می‌شد. این روستاها در فاصله نزدیک به هم قرار داشته، دارای طبیعت بسیار زیبا و جذاب‌اند. زیبایی طبیعت روستاهای یادشده در گذشته به دلیل وجود چشمه‌ها و رودخانه‌های متعدد و کوه‌های مرتفع بیشتر بوده، که در کنار رونق کشاورزی دلیلی برای ماندگاری جمعیت روستا به حساب می‌آمد. در سال‌های اخیر و با بروز خشکسالی، بخش کشاورزی دچار آسیب‌های جدی شده و اهمیت اقتصادی آن

کاهش یافته است. به دنبال بروز تغییرات محیطی و بحران در بخش کشاورزی، طبیعت زیبای روستاها نیز دست خوش خشونت‌های محیطی شده و چهره روستاها به نازیبایی گراییده است. این وضعیت به همراه ناامیدی از تولید کشاورزی، سبب برخی تصمیم‌گیری‌ها شده است، که در آن شرایط منطقی به نظر می‌رسید. افزون بر این، در زیرساخت‌های جاده‌ای و راه‌های ارتباطی روستاها، تغییراتی مثبت ایجاد شده، به گونه‌ای که یکی از مهم‌ترین مسیرهای ارتباطی ایلام به استان کرمانشاه و جاده کربلا از این روستاها گذشته و روستاها را با چالش‌هایی در زمینه ایجاد مشاغل جدید مواجه کرده است (استاندارای استان ایلام، ۱۳۹۴).

تاکنون مطالعات متعدد در زمینه کارکرد اقتصادی روستا و تغییرات اقتصاد کشاورزی انجام شده است. در پژوهش حاضر، پیامدهای تغییرات اقتصادی در روستاهای مورد مطالعه در دهستان شباب، با بهره‌گیری از مدل نظریه زمینه‌ای^(۱) و از دیدگاه پاسخ‌گویان بازسازی شده است. در تحقیق جاجرمی و نوباغی (۱۳۹۱)، ملاحظه شد که در دهستان میان‌جویین سبزوار، با توجه به ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی، شرایطی نسبتاً مساعد برای رشد و توسعه کشاورزی وجود دارد، تا جایی که کشاورزی مهم‌ترین بخش فعالیت‌های اقتصادی به‌شمار می‌رود. در این دهستان، کشاورزی بیشترین درآمد روستاییان را تأمین می‌کند. البته در این زمینه، مشکلاتی مانند، عدم بهره‌برداری بهینه از منابع آب، توزیع نامناسب بارندگی، و کوچک بودن قطعات اراضی وجود داشت. فیروزنیا و رکن‌الدین افتخاری (۱۳۹۲) به مطالعه تداوم کارکرد اقتصادی روستاهای در معرض تخلیه جمعیتی شهرستان قزوین پرداختند و نشان دادند که هرچند، روستاهای مورد مطالعه در معرض تخلیه جمعیتی قرار دارند، کارکرد اقتصادی آنها همچنان ادامه دارد. جمشیدی (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود، اثرات خشکسالی را بر ساختار اقتصادی روستاهای شهرستان‌های سیروان و چرداول بررسی کرد و نشان داد که خشکسالی و تغییرات اقلیمی سبب ایجاد دغدغه‌هایی در این شهرستان‌ها شده که تغییر کارکرد از روستای کشاورزی به روستای خدماتی در شهرستان چرداول از آن جمله است. همچنین، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۴)

نشان دادند که خشکسالی کارکرد اقتصادی دو شهرستان سیروان و چرداول را با بحران جدی مواجه کرده است، به گونه‌ای که در شهرستان سیروان، خشکسالی بر اقتصاد کشاورزی در زمینه‌های مهم رکود تولیدی، افزایش بدهی کشاورزان، پیدایش فقر و تغییر در کشاورزی اثر داشته و در شهرستان چرداول نیز بیشترین تأثیر خشکسالی، ایجاد بحران معیشت، پیدایش فقر، تغییر در کشاورزی و بحران بدهی‌ها بوده است. به گفته کینلیساید و تاگر (Keenleyside and Tucker, 2010)، در دهه ۱۹۹۰، سالانه ۰/۱۷ درصد از اراضی کشاورزی فرانسه و ۰/۸ درصد از اراضی اسپانیا متروکه شدند. گرگیچ و همکاران (Grgič et al., 2010)، در تحقیقی با عنوان «کیفیت زندگی در روستاهای کرواسی، ماندن یا ترک روستا»، نشان دادند که یک‌پنجم جامعه مورد مطالعه تصمیم دارند روستا را ترک کنند. بر اساس نتایج مطالعات پیش‌گفته، می‌توان گفت که کارکرد اقتصاد روستایی یکی از کارکردهای مهم روستایی است که در سال‌های اخیر، از تغییرات متعدد مانند تغییرات محیطی، بروز پدیده خشکسالی، و پیدایش فقر تأثیر پذیرفته و سبب بروز تحولات زیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی روستاها شده است، تحولاتی که گاهی سبب نابودی روستا و موجودیت آن می‌شود. در این راستا، پژوهش حاضر بر آن است تا با رویکردی تفسیرگرایانه و بازسازی مفهومی پیامدهای تغییرات اقتصاد روستایی منطقه مورد مطالعه، به بررسی درک و تفسیر روستاییان از تغییرات پدید آمده و پیامدهای آن بپردازد و در این راستا، به دنبال پاسخ به سؤال اصلی تحقیق بوده که عبارت است از: «پیامدهای تغییرات اقتصادی در روستاهای شهرستان چرداول کدامند؟».

مبانی نظری

روستا به‌خاطر کارکرد اساسی آن مبنی بر تأمین بسیاری از نیازهای زیستی، سکونتی و اقتصادی جامعه روستایی، دارای ویژگی پویایی و تغییر دائمی است. پویایی روستاها در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فضایی قابل بررسی و ملاحظه است. این ویژگی برآمده از پویایی افراد و گروه‌های جامعه روستایی برای اعمال نگرش‌ها و علایق خود در ساخت کالبدهای فعالیت و شکل‌دهی به فضای مورد استفاده و

تصمیمات در حال تغییر آنها برای رویارویی با عوامل محدودکننده تمایلات خود در شکل دادن به کالبد و فضای روستاست. بنابراین، پذیرش پویایی و تغییر دائمی برای جامعه انسانی موجب الزام به پذیرش تغییرات دائمی و پویایی روستا در ابعاد مختلف آن است (جاجرمی، ۱۳۹۱: ۲). کارکرد اقتصادی- تولیدی یکی از مهم‌ترین کارکردهای روستاست (سعیدی، ۱۳۸۱: ۱۰۵). در لابلای نظریه‌های توسعه روستایی، می‌توان نظریه‌هایی را یافت که با استفاده از آن، امکان تبیین بخشی از موضوع مورد مطالعه وجود دارد. یکی از نظریه‌های موجود نظریه چرخه حیات^(۲) (تسلیمی، ۱۳۷۸: ۱۷۶) است، که می‌تواند فرایند تحول روستاها را به تصویر بکشد. بر این اساس، روستاها در فرایند تحول خود در برهه‌ای از زمان ظهور یافته، رشد کرده، مدت‌های طولانی به حیات خود ادامه دهند؛ در این فرایند، بعضی از آنها با ادغام با روستاهای دیگر و یا ادغام در درون شهرها و یا افزایش جمعیت، دوره حیات جدید خود را به نام شهر شروع کرده و بعضی نیز همچنان به عنوان یک سکونتگاه روستایی ادامه حیات داده‌اند. گروه دیگری از روستاها با تغییر اقتصادی- اجتماعی جامعه و تحولات فناوری، دوران افول را در پیش گرفته و به مرور با کاهش جمعیت مواجه شده‌اند. بعضی از روستاهای گروه اخیر، با سپری کردن دوران پیدایش، رشد و توسعه، با افول مواجه شده و جمعیت خود را به‌طور کامل از دست داده‌اند. بر اساس چرخه حیات، این امکان وجود دارد که این دسته از روستاها به مرحله نابودی برسند و یا اینکه پس از گذراندن دوره افول، دوره‌ای جدید از حیات خود را با عناوینی همچون دهکده گردشگری، مزرعه تولیدی، روستای موسمی، و مکان تولیدی آغاز کنند (فیروزنیا و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

بر اساس نظریات متعدد، مانند نظریه توسعه همه‌جانبه میسرا (حامد مقدم، ۱۳۷۲: ۷۱)، نظریه مدیریت (Hughes, 1998: 23) و نظریه توسعه پایدار و توسعه پایدار روستایی گزارش برانت لند ۱۹۸۷ (مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۸۱: ۹)، می‌توان از ظرفیت‌های روستاهای در معرض تخلیه جمعیتی (به دلیل تغییر در ساختار اقتصادی روستا) استفاده کرد و حتی با تمسک به آنها مانع از شکل‌گیری چنین روستاهایی شد. در

این بین، می‌توان انتظار داشت که در صورت به‌کارگیری نظریه توسعه پایدار روستایی، بستری مناسب برای بهره‌برداری از توانمندی و قابلیت‌های تمامی نواحی از جمله روستاهای در حال نابودی فراهم شود (فیروزنیا و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۲: ۴۲).

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و از لحاظ پارادایم در گروه تحقیقات کیفی قرار دارد و از بعد روش نیز از نظریه بنیانی استفاده کرده است. در پژوهش حاضر، برای ساختن مدل مفهومی پیامدهای تغییرات اقتصادی در روستاهای شهرستان چرداول، از روش کیفی نظریه زمینه‌ای بهره گرفته شد. این نظریه ابتدا در سال ۱۹۶۷ از سوی گلاسر^(۳) و اشتراوس^(۴) ابداع و در کتاب مشهور آنها با عنوان "کشف نظریه زمینه‌ای" منتشر شد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۱۳). نظریه زمینه‌ای سه جزء اصلی دارد: مفاهیم^(۵)، مقولات^(۶) و گزاره‌ها^(۷) (سفیری، ۱۳۸۹: ۲۹۴). بر پایه مفاهیم و مبانی نظریه زمینه‌ای، پژوهش بر اساس فرضیه‌سازی شروع نمی‌شود، بلکه پژوهشگر با مسئله‌ای تحقیقی روبه‌روست که برای پاسخ‌گویی بدان هیچ جواب و حدس قبلی وجود ندارد (Strauss, 1987; Egan, 2002: 54). بنابراین، روابط بین متغیرها و مؤلفه‌های تحقیق از قبل تعیین نمی‌شود، بلکه بر مبنای مشاهدات و داده‌های گردآوری‌شده و با توجه به تفاوت‌ها و تشابهات آنها تبیین و از این طریق، مقدمات لازم برای نظریه‌سازی فراهم می‌شود (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴: ۸۷). در واقع، باید این نظریه به‌کمک داده‌ها زمینه‌دار شود، نه آنکه بر آنها تحمیل شود. این روش بر پایه این رویکرد بنا شده است که نخستین کار کلیدی پژوهشگر کشف راه‌های جدید برای معنی دادن به دنیای اجتماعی است (هومن، ۱۳۸۵: ۱۰۶). پندیت (Pandit, 1996) در ساخت نظریه زمینه‌ای از پنج مرحله کلی یاد می‌کند (پاپزن و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰). این مراحل و گام‌ها، بر اساس چهار معیار کیفی پژوهشی ارزشیابی می‌شوند که عبارت‌اند از: اعتبار ساختاری، اعتبار درونی^(۸)، اعتبار بیرونی^(۹) و روایی (پاپزن و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۶۱). مراحل ساخت نظریه زمینه‌ای در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- مراحل ساخت نظریه زمینه‌ای

ردیف	مراحل	گام‌ها
۱	طرح پژوهش	گام اول- مرور ادبیات فنی: نخستین گام، تعریف سؤالات دقیق و منعطف از مسئله است. یکی از منابع مناسب این نوع سؤالات، متون فنی نظیر گزارش‌ها و بررسی‌های پژوهشی است. گام دوم- انتخاب مورد: انتخاب مورد، همان محدوده تحقیق و جامعه مورد مطالعه است (پاپ‌زن و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۰).
۲	گردآوری داده‌ها	گام اول- تدوین چارچوب گردآوری داده‌ها گام دوم- ورود به میدان پژوهش (سفری، ۱۳۸۹: ۲۹۷). در خلال گردآوری داده‌ها، از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند ^(۱۰) برای انتخاب مطلعان ^(۱۱) یا دروازه‌بانان ^(۱۲) تحقیق، فضاها، زمان‌ها و دیگر ابعاد پدیده مورد مطالعه استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۲۲). در نظریه زمینه‌ای، گردآوری و تحلیل داده‌ها توأم با استفاده از راهبرد نمونه‌گیری نظری است که تنها به نظریه زمینه‌ای تعلق دارد و عبارت است از نمونه‌گیری بر مبنای مفاهیم در حال ظهور برگرفته از داده‌ها، و روشی است برای گردآوری و تحلیل همزمان داده‌ها بر حسب مقوله‌های برگرفته از داده‌ها. فرایند نمونه‌گیری نظری تا زمانی ادامه می‌یابد که هیچ ویژگی جدیدی ظهور نکند؛ این سطح را اشباع نظری ^(۱۳) می‌خوانند (همان: ۳۲۵).
۳	تنظیم داده‌ها	هدف از این مرحله، آشنا ساختن پژوهشگر با داده‌هاست (Mehmetoglu and Altinay, 2006: 24).
۴	تجزیه و تحلیل داده‌ها	گام اول- تحلیل داده‌های اولین مورد گام دوم- تکرار نمونه‌گیری نظری گام سوم- رسیدن به کفایت (سفری، ۱۳۸۹: ۲۹۷). فرایند کدگذاری داده‌ها در نظریه یادشده در سه مرحله: الف- کدگذاری باز ^(۱۴) (۱- کدبندی اولیه یا سطح اول ^(۱۵) ، ۲- کدبندی متمرکز ^(۱۶) یا سطح دوم) ب- کدبندی محوری ^(۱۷) (در این مرحله، مقوله‌ها به صورت یک شبکه باهم در ارتباط قرار دارند. در این قسمت، یک خط داستان ^(۱۸) از ارتباط منطقی بین مقوله‌ها به نگارش درمی‌آید (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۳۹). مقوله‌های عمده استخراج‌شده در مرحله کدبندی محوری باید دارای سه بعد زیر باشند: ۱- بعد شرایطی: عبارت است از کل اوضاع و احوال و یا موقعیتی که پدیده در آن جای دارد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۴). این بعد در سه زیرمجموعه شرایط علی، شرایط مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای دسته‌بندی می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۴۰). ۲- بعد تعاملی- فرایندی: شامل پاسخ‌های راهبردی یا معمولی‌اند که افراد یا گروه‌ها به مسائل و امور و رویدادهایی می‌دهند که در آن شرایط پدید می‌آیند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۵). ۳- بعد پیامدی: پیامدها و نتایج این تعامل‌ها را شامل شده و از شرایط خاص مربوط بدان تأثیر می‌پذیرد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۴۰). ج- کدبندی انتخابی ^(۱۹) (فرایند نظریه‌سازی زمینه‌ای در مرحله کدبندی گزینشی تقریباً به اتمام رسیده است. در این مرحله، محقق با تعداد اندکی از مقوله‌های انتزاعی به تدوین نظریه پرداخته و نیازی به کدبندی داده‌های جدید ندارد. مقوله‌های مورد استفاده به لحاظ نظری اشباع شده‌اند و هر کدام بر اساس مفاهیم کدبندی‌شده مراحل اول و دوم به صورت منطقی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. سپس، محقق باید مقوله هسته‌ای را انتخاب کند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۴۰). مقوله هسته‌ای به دو شیوه انتخاب می‌شود. در شیوه اول، محقق ممکن است یکی از مقوله‌های موجود را گزینش کند و در شیوه دوم، وی باید نسبت به تعیین و ساخت یک مقوله جدید اقدام کند (محمدپور، ۱۳۹۲: ۳۴۰؛ محمدپور و ایمان، ۱۳۸۷: ۲۰۰؛ مرادی و آگهی، ۱۳۹۳: ۱۶۹؛ پاپ‌زن، ۱۳۸۲؛ دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۸۹). در هر کدام از این مراحل، کد یا کدهای الصاق‌شده باید داده‌های مرتبط با خود را به سطح اشباع برساند.
۵	بررسی اعتبار مدل	اعتبار پاسخ‌گو و مقایسه با ادبیات موضوع

مأخذ: یافته‌های پژوهش

منطقه مورد مطالعه دهستان شیباب از توابع شهرستان چرداول در استان ایلام بوده که بیست روستای دارای سکنه دارد. در سال‌های قبل از بروز خشکسالی، معیشت غالب این روستاها کشاورزی بوده است. بر اساس نظرات کارشناسان جهاد کشاورزی شهرستان چرداول، تعدادی از روستاهای دهستان مورد مطالعه، بعد از بروز خشکسالی و آسیب بخش کشاورزی، زندگی روستایی را رها نکرده و در محل سکونت خود به سایر مشاغل غیرزراعی روی آورده‌اند، که چهار روستای زنجیره سفلی، گل‌مه، باغله و شیباب از آن جمله‌اند. این روستاها در سال‌های قبل از بروز خشکسالی، از نظر کشاورزی آبی بسیار آباد بوده و تولید برنج عنبربوی چرداول را بر عهده داشتند. اما پس از بروز خشکسالی، تمامی اراضی آبی به اراضی دیم تبدیل شدند. نگارندگان روستاهای یادشده را به عنوان جامعه آماری انتخاب کردند. در پژوهش حاضر، نمونه‌ها به صورت هدفمند و از طریق نمونه‌گیری گلوله برفی^(۲۰) انتخاب شدند؛ بنابراین، روستاییانی مد نظر بودند که در گذشته به کشاورزی اشتغال داشتند و اکنون به فعالیت‌های دامداری و زنبورداری و مشاغل خدماتی می‌پردازند. در این راستا، تا رسیدن به اشباع نظری نمونه‌هایی از روستاییان روستاهای مورد مطالعه، انتخاب شدند. در کل، مطالعه روی ۴۷ نفر در منطقه مورد مطالعه صورت گرفت. در پژوهش حاضر، برای گردآوری داده‌ها و به منظور افزایش اعتبار آنها، از شیوه‌ی مثلث‌سازی^(۲۱) استفاده شد، شیوه‌ای که از نظر بیشتر پژوهشگران، محدود به استفاده از راهکارهایی چندگانه برای جمع‌آوری داده‌ها برای پژوهش در خصوص پدیده‌ای یکسان است (همان: ۲۵). بنابراین، در مطالعه حاضر، از روش‌های مصاحبه نیمه‌ساختارمند، مشاهده و بررسی اسناد و مدارک استفاده شده است.

نتایج و بحث

در این قسمت، نتایج به دست آمده از مصاحبه عمیق با پاسخ‌گویان در قالب توصیفی کلی از نمونه‌های مورد مطالعه و انجام کدبندی‌های سه‌گانه مربوط به نظریه زمینه‌ای ارائه شده است. میانگین سنی پاسخ‌گویان ۴۶ سال و سطح تحصیلات آنها متغیر بود، مانند شانزده نفر بی‌سواد، هفت نفر سیکل، سیزده نفر دیپلم و ده نفر لیسانس. اکثریت افراد مورد مطالعه در حال حاضر در مشاغل خدماتی در سطح روستا مشغول بودند.

در نظریه زمینه‌ای، همان‌گونه که گفته شد، فرایند تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه عمیق با پاسخ‌گویان، شامل کدبندی سه‌گانه باز، محوری و انتخابی است.

کدبندی باز

در کدبندی باز سطح اول، محقق بر اساس واحد کدبندی سطر به سطر، به هر واحد مورد نظر یک کد یا مفهوم الصاق کرده است. این مفهوم باید بتواند فضای مفهومی آن را تا حد امکان اشباع کند. در کدبندی سطح دوم، محقق با تعیین و مرتب کردن کدها یا مفاهیم، کدهای مشابه و مشترک را در قالب یک مقوله واحد قرار می‌دهد. بر این اساس، نتیجه کار در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲- مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده

مقوله هسته‌ای	مقوله‌های عمده	مفاهیم
تحول در کارکرد اقتصادی روستا (تغییر از روستای کشاورزی به روستای خدماتی و افزایش اشتغال دوم با مشاغل غیرکشاورزی-زراعی)	احداث جاده جدید ایلام-حمیل	گسترش ارتباطات؛ تغییر محور ارتباطی ایلام به کرمانشاه؛ عبور اکثر اتوبوس‌های بین شهری از روستا؛ عبور راه کر بلا از روستا-گسترش راه‌پیمایی بزرگ اربعین طی سال‌های گذشته؛ افزایش حمل‌ونقل
	بروز خشکسالی	کمبود بارش‌های جوی؛ خشک شدن رودخانه‌های فصلی و دائمی؛ کاهش آب چاه‌ها؛ آلودگی و شوری آب؛ آلودگی هوا؛ گرم شدن هوا؛ کاهش رطوبت هوا
	رکود تولید کشاورزی	تخریب اراضی زراعی؛ عدم آیش برخی اراضی؛ بایر ماندن برخی اراضی؛ تغییر نظام بهره‌برداری؛ استفاده زیاد از کود و سم؛ استفاده بیش از حد از شخم؛ کاهش سطح تولید؛ کاهش سطح زیر کشت؛ تغییر تقویم زراعی؛ تغییر الگوی کشت
	شیوع فقر اقتصادی	کاهش درآمد کشاورزی؛ کاهش پس‌انداز؛ گرانی سال‌های اخیر؛ افزایش هزینه‌های تولید؛ افزایش قیمت نهاده‌ها؛ کاهش سرمایه‌گذاری در تولید؛ عدم بازپرداخت وام‌ها و افزایش فشار مالی بر کشاورزان؛ عدم دسترسی به اعتبارات برای گسترش فناوری‌های لازم در زمینه مدیریت آبیاری؛ عدم توجه به بیمه به دلیل فقدان درآمد
	گسترش دامداری و زنبورداری	گسترش دامداری نیمه‌صنعتی؛ پرورش و نگهداری گاو شیرده؛ پرورش دام‌هایی مانند بز و گوسفند برای قصابی؛ پرورش زنبور عسل و تولید عسل
	افزایش مشاغل خدماتی	افزایش تعداد مرغ فروشی در روستا؛ افزایش تعداد نانوايي ماشینی و دستی در مسیر جاده؛ گسترش مغازه‌داری؛ افزایش تعداد قصابی‌های کنار جاده‌ای؛ فروش عسل؛ افزایش تعداد کبابی‌های موقت کنار جاده‌ای؛ افزایش تعداد رستوران‌ها
	تحول در کارکرد اقتصادی روستا	کاهش وابستگی اقتصادی به کشاورزی؛ بایر ماندن برخی از زمین‌های زراعی؛ عدم اشتغال جوانان روستا در بخش کشاورزی؛ تغییر کاربری اراضی زراعی و تبدیل آن‌ها به کاربری‌های تجاری و مسکونی؛ فروش اراضی زراعی؛ معیشت مبتنی بر فعالیت‌های خدماتی؛ مهاجرت وسیع نیروهای مولد

مأخذ: یافته‌های پژوهش

کدبندی محوری

در پژوهش حاضر، مقوله‌های عمده به دست آمده عبارت‌اند از: احداث جاده جدید ایلام- حمیل، بروز خشکسالی، رکود تولید کشاورزی، شیوع فقر اقتصادی، گسترش دامداری و زنبورداری، افزایش مشاغل خدماتی و تحول در کارکرد اقتصادی روستا (تغییر از روستای کشاورزی به روستای خدماتی و افزایش اشتغال دوم یا مشاغل غیرکشاورزی- زراعی). در این بخش از مقاله، ابتدا با مرور خط داستان، به چگونگی ارتباط بین مفاهیم، مقولات عمده و نیز مقوله هسته‌ای که در مرحله بعد تولید می‌شود، می‌پردازیم؛ و در پایان، مدل سه‌بعدی پارادایمی آن، بر اساس شرایط، تعاملات و پیامدها ترسیم می‌شود. در این قسمت، یک خط داستان از ارتباط منطقی بین مقوله‌ها به نگارش درمی‌آید.

احداث جاده جدید ایلام- حمیل

در سال‌های اخیر، محور جدید ایلام- حمیل که از روستاهای مورد نظر می‌گذرد، احداث و افتتاح شده است. این جاده بهترین و نزدیک‌ترین محور ارتباطی بین ایلام و استان کرمانشاه است. بر اثر احداث این جاده و همچنین، به دلیل استقرار پلیس راه در حوالی روستای شهاب، عبور و مرور اکثر تاکسی‌ها، اتوبوس‌های بین شهری و کامیون‌ها از این مسیر صورت می‌گیرد. به دلیل افزایش تردد وسایل نقلیه باری و مسافری از این روستاها، مشاغل خدماتی متعدد، چه به صورت دائمی و چه به صورت مقطعی، پدید آمده است. ایجاد چنین مشاغلی، سبب تحول نقش روستا، از روستای کشاورزی به روستای خدماتی شده است. این تحول زمینه گسترش اشتغال دوم را به‌ویژه برای جوانان روستا فراهم کرده است. در این بین، یکی از پاسخ‌گویان اظهار داشت «از وقتی که جاده حمیل افتتاح شده، تعداد اتوبوس‌هایی که از روستا می‌گذرند نیز زیاد شده است. این اتوبوس‌ها پس از توقف برای ناهار و شام و نماز و پیاده شدن مسافران، منفعت زیادی برای مغازه‌داران و رستوران‌ها و حتی ناوایی‌های روستا دارند...».

بروز خشکسالی

در گذشته، اتکای اقتصاد روستاهای مورد مطالعه بر محصولات زراعی و به‌ویژه برنج بود. پس از شیوع خشکسالی و خشک شدن رودخانه زنجیره (یکی از شعبه‌های رودخانه بزرگ چرداول)، کشاورزی آبی با بحران مواجه شده و تولید برنج تقریباً به صفر رسیده است. در این بین، کشاورزی دیم نیز به دلیل وابستگی به شرایط بارندگی، با کاهش شدیدی روبه‌روست. این شرایط سبب ناامید شدن کشاورزان از تکیه بر تولیدات کشاورزی شد و آنها برای بقا و ماندگاری خود و خانواده‌هایشان مجبور به انتخاب فعالیت‌های غیرکشاورزی (غیرزراعی) شده‌اند، که واکنش و پاسخ روستاییان را برانگیخته است، به‌گونه‌ای که در سال‌های گذشته، گرایش بسیاری از روستاییان و کشاورزان سابق به دامداری نیمه‌صنعتی و تعلیف دستی و زنبورداری بیشتر شده است. در اینجا، می‌توان گفت که تعامل ایجادشده پیامد تحول روستا از کشاورزی (فعالیت‌های زراعی) به فعالیت‌های خدماتی (زنبورداری برای تولید و فروش عسل و دامداری برای رونق‌دهی به قصابی و فروش گوشت) را سبب شده است. در این راستا، یکی از پاسخ‌گویان اظهار داشت که «به دلیل خشک شدن رودخانه و بروز خشکسالی، تولید برنج به صفر رسیده و کشاورزی دیگر جواب‌گوی مخارج زندگی نیست. بنابراین، تصمیم گرفتیم که دامداری را شروع کنیم».

رکود تولید کشاورزی

رکود تولید کشاورزی یکی از مقوله‌های انتزاعی به‌دست آمده در پژوهش حاضر بوده که نشان‌دهنده شرایط سبب‌ساز بروز تغییرات اقتصادی در روستاهای مورد مطالعه در شهرستان چرداول است. در سال‌های گذشته، تنها منبع درآمد بسیاری از ساکنان روستاهای مورد مطالعه کشاورزی و تولیدات ناشی از آن بوده است. سطح تولیدات کشاورزی به حدی بوده که هیچ‌گونه نیازی از سوی کشاورزان برای قرارگیری در سایر مشاغل درآمدزا احساس نشده است. بروز خشکسالی طی سال‌های گذشته زمینه‌ساز

شرایطی است که سبب تغییر در وضعیت تولید کشاورزی شده و کشاورزان را با رکود تولیدی مواجه کرده است. در این راستا، کشاورزان روستاهای یادشده، برای بقای خود و خانواده‌هایشان، منطقی‌ترین راه را انتخاب کرده‌اند که نوعی پاسخ به وضعیت کنونی و تعامل با آن است. پیامد این تعامل ایجاد اشتغال جدید و تحول روستاها از حالت کشاورزی به حالت خدماتی بوده است. در این ارتباط، به گفته یکی از پاسخ‌گویان، «تمایل بسیاری از کشاورزان برای کشت‌وکار کم شده و بنابراین، در طول سال، بسیاری از اراضی بایر است؛ برخی از کشاورزان نیز که چاره‌ای جز کشت ندارند، زمین‌های خود را کشت کرده، اما به دلیل جار به جار کردن^(۲۲) اراضی، برداشت محصول بسیار کم است. دامداری شاید بهتر باشد ...».

شیوع فقر اقتصادی

یکی از مقوله‌های عمده تولیدشده شیوع فقر اقتصادی در روستاهای مورد مطالعه است. شیوع فقر اقتصادی یکی از شرایط مهمی است که زمینه‌ساز تغییرات اقتصادی در منطقه مورد مطالعه بوده است. ساکنان روستاهای یادشده، در گذشته، به کشاورزی وابسته بودند و مخارج زندگی خود را از این راه تأمین می‌کردند. پس از بروز خشکسالی و رکود تولیدی، مقدار درآمد تولیدشده از بخش کشاورزی جواب‌گوی نیازها و هزینه‌های اولیه زندگی کشاورزان نبوده است. این عامل، کشاورزان را بر آن داشته که به دنبال یک راه جایگزین، برای کسب درآمد باشند. در تأیید همین موضوع، یکی از پاسخ‌گویان، بیان کرد که «درآمد ما بسیار کم شده و به هیچ وجه نمی‌شود به کشاورزی و درآمد ناشی از آن اعتماد کرد؛ قیمت نهاده‌ها زیاد شده، زمین‌ها سالانه به زیر کشت می‌روند اما در پایان، برداشت ناچیز است و بنابراین، درآمد هم ناچیز است ...».

گسترش دامداری و زنبورداری

در نتیجه بروز خشکسالی و رکود تولید محصولات زراعی و شیوع و گسترش فقر اقتصادی، ساکنان روستاهای مورد مطالعه به فعالیت‌های جدید روی آوردند تا از این

راه، بتوانند وضع اقتصادی خود را بهبود بخشند؛ از جمله این فعالیت‌ها، گسترش دامداری و زنبورداری بوده است. ساکنان منطقه مورد مطالعه به‌خوبی بدین نکته واقف‌اند که به دلیل احداث جاده حمیل و افزایش تردد خودروهای باری و مسافربری، گسترش دامداری و تولیدات ناشی از آن (مانند شیر، گوشت، مو، پشم، روغن حیوانی، و کشک) و پرورش زنبور عسل و تولید عسل، سود فراوانی را سبب می‌شود. در سال‌های اخیر و در برخی فصول، محصولات تولیدشده، در روستای آنها و بدون هیچ‌گونه هزینه‌ای برای بازاریابی به فروش می‌رسد. به گفته یکی از پاسخ‌گویان، «دامداری و تولید عسل بسیار به‌صرفه‌تر از کشاورزی و زراعت است ...».

افزایش مشاغل خدماتی

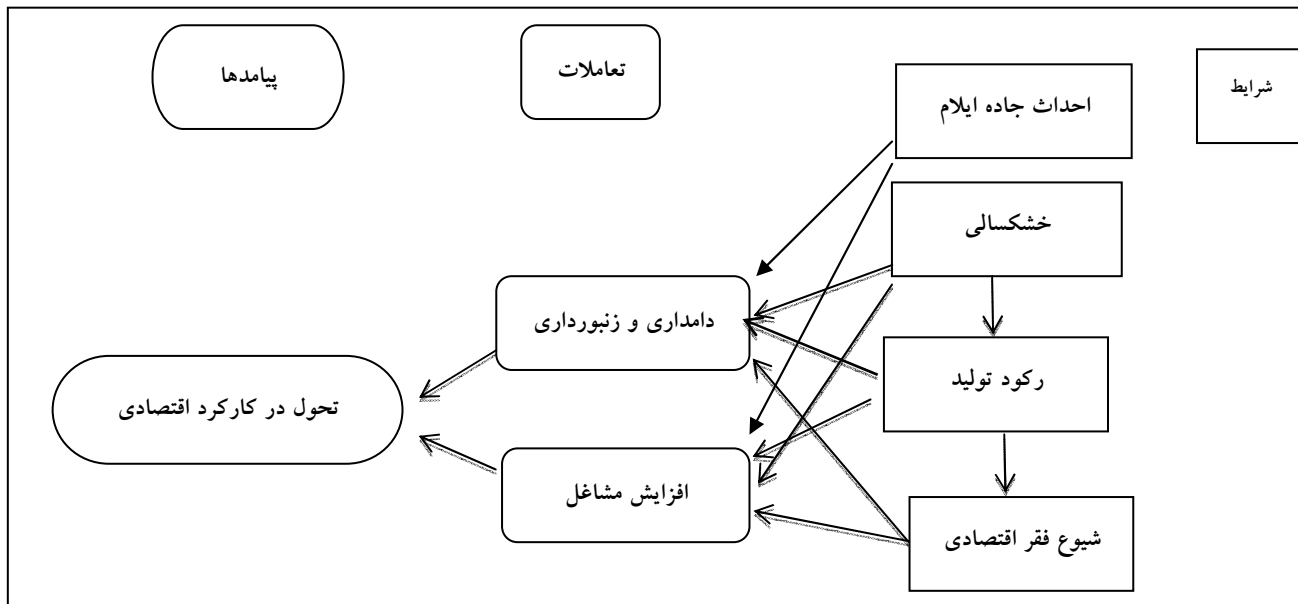
یکی از مقوله‌های عمده به‌دست آمده در پژوهش حاضر افزایش مشاغل خدماتی است. این مقوله نمایانگر تعامل و پاسخ روستاییان در برابر شرایط به‌وجود آمده و افزون بر این، نشان‌دهنده گرایش روستاییان به مشاغل و فعالیت‌های جایگزین کشاورزی است که از طریق آن، وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشند. در سال‌های اخیر، بسیاری مشاغل مانند قصابی، مرغ‌فروشی، مغازه‌داری، نانوايي (ماشینی و دستی)، رستوران‌داری، و کبابی (دائمی و موقت) به‌سرعت گسترش یافته و سبب بهبود اوضاع اقتصادی ساکنان روستاهای مورد مطالعه شده است. افتتاح جاده حمیل و همچنین، گسترش شور حسینی در تمامی مردم ایران و خلق حماسه راهپیمایی اربعین و تقاضای بسیار زیاد مردم برای سفر به عتبات عالیات و عبور جاده راه کربلا از روستاهای یادشده سبب گسترش مشاغل متعدد شده (که اغلب موقتی) است. در همین زمینه، خانمی به‌عنوان سرپرست خانوار اظهار داشت که «احداث جاده حمیل و عبور تعداد انبوه زائران امام حسین (ع) از روستای ما سبب افزایش رزق و روزی برای ساکنان روستا شده است. به نظر من، امام حسین (ع) و محبت او و خاندانش، سبب خیر و برکت زیاد تا دورترین نقطه ایران شده است ...».

تحول در کارکرد اقتصادی روستا

در نتیجه بروز مشکلات متعدد در شرایط اقتصادی ساکنان منطقه مورد مطالعه، وضعیت معیشتی کشاورزان و روستاییان تغییر کرده است و اتکای آنها در زندگی دیگر بر تولید محصولات کشاورزی نیست. در گذشته، روستاهای مود مطالعه با کشاورزی و به‌ویژه کشت برنج شناخته می‌شدند؛ اما طی سال‌های بعد از بروز خشکسالی و گسترش رکود اقتصادی و سقوط کشاورزی آبی، کارکرد روستاها نیز، تغییر کرده و به روستاهایی با کارکرد خدماتی تبدیل شده‌اند. در راستای این تغییرات، مشاغل ثانوی زیادی به‌وجود آمده‌اند، که زمینه‌ساز بهبود اوضاع اقتصادی روستاییان شده است. در این راستا، به گفته خانمی دیگر به عنوان سرپرست خانوار، «دیگر کسی روستا را با برنج عنبربو نمی‌شناسد؛ روستا به روستای قصابی و عسل‌فروشی تبدیل شده است. قبلاً زمین‌های کشاورزی را خودمان به زیر کشت می‌بردیم، اما امروزه، زمین‌ها را به کشاورزان دوکوت‌کار^(۲۳) و سه‌کوت‌کار^(۲۴) می‌دهیم تا شاید در پایان سال، چیزی نصیبمان شود و البته این کار بیشتر برای سرشکن کردن هزینه‌های بالای تولید صورت می‌گیرد».

کدبندی انتخابی

مقوله هسته‌ای در پژوهش حاضر «تحول در کارکرد اقتصادی روستا» (تغییر از روستای کشاورزی به روستای خدماتی و افزایش اشتغال دوم یا مشاغل غیرکشاورزی-زراعی) است، که البته سایر مقوله‌های عمده را پوشش می‌دهد. در پایان، برای اطمینان از اعتبار یافته‌های به‌دست آمده، با نشان دادن یافته‌های نهایی را به پاسخ‌گویان، واکنش آنها در زمینه تطابق مقوله‌های مفهومی با گفته‌هایشان را مشاهده کردیم. مقوله‌های به‌دست آمده برای پاسخ‌گویان شناخته‌شده و قابل فهم و شناسایی بودند. بنابراین، محققان از اعتبار نظریه تولیدی خود مطمئن شدند.



مأخذ: یافته‌های پژوهش

نمودار ۱- مدل زمینه‌ای پیامدهای تغییرات اقتصادی در روستاهای شهرستان چرداول در قالب تحول در کارکرد اقتصادی روستا

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر اساس نتایج به‌دست آمده، مقوله هسته‌ای «تحول در کارکرد اقتصادی روستا» است که کلیه مقوله‌های به‌دست آمده را پوشش داده، جنبه تحلیلی نیز دارد. این مقوله از تعدادی مفاهیم یا کدهای مشابه و مشترک به‌دست آمده است. این مفاهیم عبارت‌اند از: کاهش وابستگی اقتصادی به کشاورزی، بایر ماندن برخی از زمین‌های زراعی، عدم اشتغال جوانان روستا در بخش کشاورزی، تغییر کاربری اراضی زراعی و تبدیل آنها به کاربری‌های تجاری و مسکونی، فروش اراضی زراعی، معیشت مبتنی بر فعالیت‌های خدماتی، و مهاجرت وسیع نیروهای مولد کشاورزی. بنابراین، تغییر از روستای کشاورزی به روستای خدماتی (به دلیل به حاشیه رانده شدن بخش کشاورزی و رکود تولیدی و همچنین، مهاجرت نیروهای مولد کشاورزی) و افزایش اشتغال دوم یا مشاغل غیرکشاورزی-زراعی (به دلیل تحولات معیشتی) از جمله مهم‌ترین پیامدهایی است که بر اثر تغییرات اقتصادی در روستاهای یادشده به‌وجود آمده است.

همان‌گونه که پیداست، درک تغییرات اقتصادی به‌مثابه تحول در کارکرد اقتصادی روستا و افزایش اشتغال خدماتی در منطقه مورد مطالعه، در قالب یک مدل پارادایمی شامل شرایط، تعاملات و پیامدها نشان داده شده است. بر این اساس، مردم روستاهای مورد مطالعه از شهرستان چرداول پیامدهای تغییرات اقتصادی را نوعی تحول در کارکرد اقتصادی روستا و افزایش اشتغال غیرکشاورزی درک می‌کنند. پاسخ‌گویان این تغییر و دگرگونی در اقتصاد روستا را نوعی بهبود در شرایط اقتصادی زندگی می‌دانند، اما با نوعی تردید در زمینه تداوم زندگی روستایی مواجه‌اند. بدین ترتیب، با وجود بهبود اوضاع اقتصادی ساکنان روستاهای مورد مطالعه، شاهد نوعی نارضایتی، به دلیل رکود بخش کشاورزی بوده‌ایم. نتیجه پژوهش حاضر با نتیجه مطالعه جاجرمی و نوباغی (۱۳۹۱) مبنی بر آنکه کشاورزی مهم‌ترین بخش فعالیت‌های اقتصادی دهستان مورد مطالعه به‌شمار می‌رود و بیشترین درآمد روستاییان را تأمین می‌کند، مغایرت دارد. افزون بر این، در پژوهش گرگیچ و همکاران (Grgić et al., 2010)، مهاجرت یک‌پنجم جامعه مورد مطالعه از روستا حکایت از پایین بودن کیفیت زندگی در روستا دارد.

درک پیامدهای تغییرات اقتصادی به‌مثابه تحول در کارکرد روستا و افزایش اشتغال دوم متأثر از یک مجموعه شرایط بوده و در نتیجه، تعاملات متعدد حاصل شده است. نتیجه نشان داد که در منطقه مورد مطالعه، به دلیل حاکمیت مجموعه‌ای از شرایط مانند احداث جاده جدید ایلام- حمیل، بروز خشکسالی، رکود تولید کشاورزی و شیوع فقر اقتصادی، اقتصاد روستا با دو حالت مثبت و منفی تحول و تغییر مواجه شده است؛ از یک سو، احداث جاده ایلام- حمیل فراهم‌کننده بستری برای گسترش حمل‌ونقل و تردد خودروهای باری و مسافری از روستاها شده که به‌نوعی زمینه‌ساز افزایش تقاضا از سوی مسافران و رانندگان برای مواد غذایی و مانند اینهاست و از سوی دیگر، به دلیل بروز خشکسالی و مسئله کمبود آب، بخش کشاورزی با صدمات جبران‌ناپذیر روبه‌رو شده، به‌گونه‌ای که این بخش ارزش سرمایه‌گذاری اقتصادی و معیشتی خود را از دست داده و به حاشیه رانده شده است. با کمرنگ شدن نقش کشاورزی در اقتصاد روستاهای مورد مطالعه، فقر اقتصادی شیوع پیدا کرده است. با تأثیرپذیری از شرایط پدید آمده، مردم روستاهای مورد مطالعه در راستای بهبود اوضاع اقتصادی خود دست به اقداماتی زده و به دیگر سخن، در برابر شرایط موجود پاسخ‌ها و تعاملاتی خاص را از خود بروز داده‌اند. این تعاملات به صورت دو مقوله نمود پیدا کرده‌اند: گسترش دامداری و زنبورداری و افزایش مشاغل خدماتی. مردم روستاهای مورد مطالعه در پاسخ به شرایط یادشده، که به صورت شرایط مثبت (احداث جاده ایلام- حمیل و گسترش حمل‌ونقل جاده‌ای) و شرایط منفی (بروز خشکسالی، شیوع فقر اقتصادی و رکود تولید کشاورزی) ظاهر شده، به سمت پرورش زنبور و پرورش دام گرایش پیدا کرده‌اند. در این راستا، محصولات تولیدی خود را بای دست‌فروشی در کنار جاده قرار داده، به صورت دائمی و موقتی به کسب درآمد می‌پردازند. علاوه بر این، به دلیل کاهش رونق کشاورزی، مشاغل خدماتی مانند مرغ‌فروشی، قصابی، مغازه‌داری، و نانویی در مسیر جاده‌های احداثی گسترش یافته است. در نتیجه این تعاملات، کارکرد روستا از حالت کشاورزی به کارکرد خدماتی تغییر کرده و مشاغل ثانوی متعدد به‌وجود آمده است. بر این اساس، نتیجه پژوهش حاضر با نتیجه مطالعه کینلیساید و تاکر (Keenleyside and Tucker, 2010)، که به رکود تولید کشاورزی اشاره و اظهار کردند که بسیاری از اراضی کشاورزی

فرانسه و اسپانیا متروکه شده‌اند، مطابقت دارد. اما نتیجه مطالعه حاضر با نتیجه مطالعه جاجرمی و نوباغی (۱۳۹۱) مغایرت دارد، چرا که آنها در مطالعه خود با ویژگی‌های طبیعی و اقلیمی نسبتاً مساعد در منطقه مورد مطالعه برای رشد و توسعه کشاورزی مواجه بودند، به گونه‌ای که این عامل کشاورزی را به منبع تأمین درآمد مردم تبدیل می‌کرد. همچنین، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند که خشکسالی کارکرد اقتصادی و تولیدی دو شهرستان سیروان و چرداول را با بحران جدی مواجه کرده است. البته آنچه اهمیت دارد، این است که نتیجه مطالعه حاضر با نتیجه مطالعه جمشیدی (۱۳۹۳) که یکی از دغدغه‌های مهم به وجود آمده بر اثر بروز خشکسالی و تغییر اقتصاد روستایی در شهرستان چرداول را تغییر کارکرد روستا می‌داند، مطابقت دارد.

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- انجام اقداماتی اساسی از سوی دولت برای بهبود وضعیت زیرساخت‌های اقتصادی روستا (مانند ایجاد بازارهای روز برای فروش محصولات لبنی، صنایع دستی، و عسل)، تا با جذابیت‌های معیشتی بیشتر در روستاها، گرایش روستاییان به مهاجرت از روستا کاهش یابد؛
- تعریف مشاغل جدید از سوی جهاد کشاورزی به منظور تقویت آنها و ارائه وام از سوی دولت برای رونق اقتصاد روستایی؛
- برای رونق بهتر مشاغل غیرکشاورزی موقت و دائم در روستا، جهاد کشاورزی مسئول شناسایی و معرفی محصولاتی شود که با اطمینان بالا توسط مسافران رهگذر خریداری می‌شوند؛
- اعطای وام‌های خودکفایی از سوی کمیته امداد امام (ره) برای بهبود اوضاع دامداری‌ها و زنبورداری‌ها، کارگاه‌های صنایع دستی و ایجاد اشتغال برای جوانان روستایی؛
- مداخله دولت در زمینه ممانعت از تخریب اراضی زراعی روستا در دوران خشکسالی؛
- تشویق کشاورزان برای کشت صیفی‌جات و محصولات تابستانه با نیاز آبی کم در اراضی دارای چاه؛ و
- اعطای کمک‌های دولتی در زمینه عریض کردن زیرساخت‌های جاده‌ای در روستاهای مورد مطالعه و تأمین مکان‌هایی در حواشی جاده‌ها به منظور بهبود اشتغال ساکنان.

یادداشت‌ها

- | | |
|------------------------|----------------------------|
| 1. grounded theory | 12. gatekeepers |
| 2. life cycle | 13. theoretical saturation |
| 3. Glaser | 14. open coding |
| 4. Strauss | 15. level 1 coding |
| 5. concepts | 16. focused coding |
| 6. categories | 17. axial coding |
| 7. propositions | 18. story line |
| 8. internal validity | 19. selective coding |
| 9. external validity | 20. snowball sampling |
| 10. purposive sampling | 21. triangulation |
| 11. informants | |

- ۲۲- تولید بدون آیش و پشت سر هم اراضی
 ۲۳- دوکوت: نوعی قرارداد بین مالک زمین و کشاورز است، بدین شکل که تمامی هزینه‌ها (بذر، کود، سم، شخم، وجین و مانند اینها) و محصول تولیدی بین دو نفر به صوت یکسان تقسیم می‌شود.
- ۲۴- سه‌کوت: نوعی قرارداد بین مالک زمین و کشاورز است، بدین شکل که تمامی هزینه‌ها (بذر، کود، سم، شخم، وجین و مانند اینها) بر عهده کشاورز بوده و محصول تولیدی به صورت یک سوم مالک و دو سوم کشاورز تقسیم می‌شود.

منابع

- آسایش، حسین (۱۳۸۵)، *اصول و روش‌های برنامه‌ریزی روستایی*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- ارجمندنیا، اصغر (۱۳۷۳)، «برنامه‌ریزی توسعه مراکز اسکان روستایی». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۲، صص ۸۲-۱۰۲.
- اشتراوس، انسلم و کوربین، جولیت (۱۳۹۲)، *مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- پاپزن، عبدالحمید (۱۳۸۲)، *طراحی مدل تلفیقی دانش بومی و رسمی به منظور دستیابی به رهیافتی سامانه‌ای - مشارکتی در شهرستان کرمانشاه*. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- پاپزن، عبدالحمید؛ قبادی، پرستو؛ زرافشانی، کیومرث؛ و گراوندی، شهپر (۱۳۸۹)، «مشکلات و محدودیت‌های گردشگری روستایی با استفاده از نظریه بنیانی (مورد: روستای حریر استان کرمانشاه)». *پژوهش‌های روستایی*، سال ۱، شماره ۳، صص ۲۵-۵۲.
- پاپزن، عبدالحمید؛ حسینی، سید محمود؛ ازکیا، مصطفی؛ و عمادی، محمدحسین (۱۳۸۶)، «تدوین مدل مفهومی حاصل از تلفیق دانش بومی و رسمی با استفاده از نظریه بنیانی به منظور دستیابی به رهیافت ترویجی مناسب: مطالعه موردی منطقه بیلوار شهرستان کرمانشاه». *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۱۵، شماره ۵۸، صص ۱۵۱-۱۷۶.

- تسلیمی، محمدسعید (۱۳۷۸)، *تحلیل فرایند خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری*. تهران: سمت.
- جاجرمی، کاظم (۱۳۹۱)، *شهر توسعه پایدار - توسعه ناپایدار*. تهران: یادآوران.
- جاجرمی، کاظم و نوباغی، ام‌البنین (۱۳۹۱)، «روند توسعه اقتصاد روستایی، مطالعه موردی: دهستان میان‌جویین سبزوار». *فصلنامه جغرافیایی سرزمین*، سال ۹، شماره ۳۶، صص ۲۹-۴۳.
- جمشیدی، معصومه (۱۳۹۳)، *ارزیابی اثرات خشکسالی بر ساختار اجتماعی - اقتصادی نواحی روستایی متکی بر فعالیت کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان‌های سیروان و چرداول)*. رساله دکتری، اصفهان.
- جمشیدی، معصومه؛ نوری زمان‌آبادی، سیده‌هدایت‌الله؛ صیدایی گل‌سفیدی، سیداسکندر؛ و رحیمی، داریوش (۱۳۹۴)، «اثرات خشکسالی بر اقتصاد نواحی روستایی شهرستان‌های سیروان و چرداول». *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال ۴، شماره ۳، صص ۱-۱۷.
- حامد مقدم، احمد (۱۳۷۲)، «نگرشی بر نظریه‌های نوین توسعه روستایی». *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۲۸، صص ۶۲-۷۷.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۴)، *تئوری‌پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی تئوری بنیادی*. تهران: انتشارات دانشور رفتار، دانشگاه شاهد.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سیدمهدی؛ و آذر، عادل (۱۳۸۳)، *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع*. تهران: صفار.
- سفیری، خدیجه (۱۳۸۹)، *روش تحقیق کیفی*. تهران: برآیند پویش.
- فیروزنیا، قدیر؛ ضیا، محمدحسین؛ و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۶)، «تبیین فرایند تحول روستا با بهره‌گیری از نظریه چرخه حیات». *مجله مدرس علوم انسانی*، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۹.
- فیروزنیا، قدیر و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۲)، «تحلیل تداوم کارکرد اقتصادی روستاهای در معرض تخلیه جمعیتی شهرستان قزوین»، *فضای جغرافیایی اهر*، سال ۱۳، شماره ۴۱، صص ۳۷-۵۶.
- قنبری، یوسف (۱۳۸۶)، *بررسی نقش نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی در توسعه روستایی استان اصفهان*. پایان‌نامه دکتری جغرافیا گرایش برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۴)، *روابط جمعی و توسعه روستایی*. تهران: وزارت جهاد کشاورزی، معاونت ترویج و مشارکت مردمی.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، *روش تحقیق کیفی، ضد روش ۱ (منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی)*. تهران: جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد و ایمان، محمدتقی (۱۳۸۷)، «بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامانات تحت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای». *رفاه اجتماعی*، سال ۷، شماره ۲۷، صص ۱۹۱-۲۱۳.

مرادی، خدیجه و آگهی، حسین (۱۳۹۳)، «واکاوی چالش‌های مدیریت روستایی با رویکرد کیفی تئوری بنیانی». *جغرافیا و توسعه*، شماره ۳۴، صص ۱۶۷-۱۸۱.

مؤسسه توسعه روستایی ایران (۱۳۸۱)، «گزارش هم‌اندیشی چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه روستایی ایران». تهران: مؤسسه توسعه روستایی ایران.

هومن، حیدرعلی (۱۳۸۵)، *راهنمای عملی پژوهش کیفی*. تهران: سمت.

یاسوری، مجید (۱۳۸۶)، *مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی با تأکید بر بخش کشاورزی*. مشهد: آستان قدس رضوی.

Egan, T. (2002), "Grounded theory: research and theory building". *Advances in Developing Human Resources*, 4(3): 277-295.

Hughes, O. E. (1998), *Public Management and Administration*. Great Britain: MacMilan.

Keenleyside, C. and Tucker, G. M. (2010), "Farmland abandonment in the EU: an assessment of trends and prospects". *Report Prepared for WWF*. Institute for European Environmental Policy, London.

Mehmetoglu, M. and Altinay, L. (2006), "Examination of grounded theory analysis with an application to hospitality research". *International Journal of Hospitality Management*, 25(7): 12-33. Also, available on: www.sciencedirect.com.

Pandit, N. R. (1996), "The creation of theory: a recent application of grounded theory method". *Qualitative Report*, 2(4). Also, available on: <http://www.nova.edu/ssss/qr/qr2-4/Pandit.html>.

Strauss, A. (1987), *Qualitative Analysis for Social Scientist*. New York: Cambridge University.

Grgiç, Ivo; Žimbek, Tito; Tratnik, Miroslav; Markovina, Jerko; and Juraak, Josip (2010), "Quality of life in rural areas of Croatia: to stay or to leave?". *African Journal of Agricultural Research*, 5(8): 653-660.